

## أسوهی نیکو - صفحه ۱۱۴

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

Telegram.me/farsitadris

## #تاریخ ادبیات:

سعدی شیرازی: صفحه‌ی ۱۷۶ کتاب درسی

## #معنای لغات:

آداب: (جمع ادب) روش‌ها / اخلاق: (جمع خُلُق) عادت‌های خوب و پسندیده / أسوه: نمونه، الگو / عالمیان: مردم جهان / آن چنان: آن طور، آنگونه / کریم: بخشنده / احزاب: (جمع حزب) گروه‌ها / برخی: بعضی / بزرگوار: شرافتمند / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: درود خداوند بر او و خاندانش باد / مهر: محبت / عطوفت: محبت، مهربانی / می‌فرمود: می‌گفت / پاره‌ی جگر: جگر گوشه، عزیزدل / سجده: سر بر زمین گذاشتن / برمی‌خاست: بلند میشد / دربرمی‌گرفت: بغل می‌کرد، در آغوش می‌کشید / رأفت: مهربانی / تندخویی: بد اخلاقی / سخن درشت: حرف زشت و ناراحت‌کننده / گشاده‌رو: خوش اخلاق، خوش‌رو / سیما: چهره / محزون: غمگین، غمناک، اندوهگین / متفکر: اندیشمند / اوقات: (جمع وقت) وقت‌ها، زمان‌ها / پیش‌دستی: اقدام زودتر / اختیار می‌کرد: انتخاب می‌کرد / عیادت: به دیدار بیمار رفتن و احوال‌پرسی کردن / بیش از حد لزوم: بیش‌تر از ضرورت / مقام دادخواهی: هنگام قضاوت کردن / حضور: نزد، پیش / بد (بد بگوید): بی‌ادبی / دشنام: حرف زشت و ناسزا، فُحش / نمی‌آلود: آلوده نمی‌کرد / حریم: محدوده / تجاوز: دست‌درازی، زیاده‌خواهی / گذشت: بخشیدن گناه کسی، چشم پوشیدن از چیزی / مدارا: سازش، کنار آمدن، بخشش / تجمل: ثروت اندوزی / دوری می‌جست: فاصله می‌گرفت / بانگ: صدا / ستایش: خوبی کسی را گفتن / فروماند: درمانده می‌شود / جمال: زیبایی / اعتدال: تناسب، هماهنگی و زیبایی / خلیل: لقب حضرت ابراهیم (ع) / مجموع: گردآمده، جمع شده / ظلال: (جمع ظل) سایه‌ها / بس: کافی / مواعظ: (جمع موعظه) پندها و نصیحت‌ها

## #معنای شعر:

**معنی بیت اول:** ماه به زیبایی پیامبر (ص) نیست و سرو مثل او خوش قامت و زیبا نمی‌باشد.

**معنی بیت دوم:** تمام پیامبران گذشته (آدم، نوح و ...) در سایه و پناه پیامبر (ص) جمع شده‌اند. (ادیان پیامبران گذشته به وسیله‌ی دین اسلام به کمال رسیده‌اند.)

**معنی بیت سوم:** ای سعدی اگر می‌خواهی به دنبال شادابی و عشق ورزی باشی، تنها به دنبال پیامبر(ص) و خاندان او برو و به آنها عشق بورز.

## #آرایه‌ها:

پاره‌ی جگر ← کنایه از فرزند / شبانه روز ← مجاز از تمام مدت / خیره نگاه نمی‌کرد ← کنایه از نگاه با اخم و تندی / چشم‌هایش را به زمین می‌دوخت ← کنایه از سربه‌زیری و متانت / سخن همنشین خود را نمی‌بُرید ← کنایه از وسط صحبت کسی حرف نمیزد / هیچ‌گاه زبانش را به دشنام نمی‌آلود ← کنایه از حرف بد نزدن / به حریم قانون تجاوز می‌کردند ← کنایه از زیرپا گذاشتن و رعایت نکردن قانون / بیت اول: فرو ماندن ماه ← تشخیص + کنایه از ناچیز و ناتوان شدن / ماه ← نماد زیبایی / سرو ← نماد بلندی و راست قامتی / آدم و نوح و ... ← مجاز از تمام پیامبران الهی /

## #تکات دستوری:

بیت اول: فروماند ← فعل مضارع (زمان حال) است (= فرو می‌ماند) / بیت سوم: سعدی ← منادا (= ای سعدی) که حرف ندا حذف شده است

نوع نثر: ساده و روان / قالب شعر: قصیده